

سالانه ۲۵۰ ریال  
ششماهه ۱۲۰  
برای کارگران و کشاورزان و مسلمانان  
و کارمندان جزو دولت سدیست تخفیف  
منظور میگردد  
بهای آینهها با دفتر اداره است  
جای اداره:  
( خیابان لاله زار - پاساژ شماره )



آزیر روزهای یکشنبه - سه شنبه پنجشنبه منتشر میشود  
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

# بحران ادامه دارد

## جلسه خصوصی روز یکشنبه مجلس شورای ملی به نتیجه مثبتی نرسید. طرفداران سید نیرنگو شعبده بازی عجیب و غریبی راه انداخته اند. این هاجلوی پای نمایندگان دیگر سنگ تر نشیده میخوانند و وقت مجلس را تلف کرده بحر انرا ادامه بدهند. منظورشان اینست که از فرصت استفاده کرده طرفداران خود را در کابینه بگنجانند.

## مقاله ایز و ستیاماسک سیدضیالالدین را پاره کرده است. بیشتر از نمایندگان از معاشرت با او پرهیز میکنند. با وجود این بانده سیاه برای حفظ مقام خود ننگهداری اکثریت مجلس سخت نوندگی میکنند. مجلس در اثر شعبده بازی این ستون سیاه قادر باخذ تصمیم نیست.

## تصور نیرنگو آقایان کمتر مصدق روی کار آمده ریش خود را بدست سیدضیالالدین بدهد و اسباب بدنامی خود را فراهم بیاورد. نامزدی آقایان سمیعی و حاج محتشم السلطنه و قاطبی هم جدی تلقی نمیشود. عملاً گفتگو در اطراف قوام السلطنه و سهیلی و مستشار الدوله سیر میکند

## مطالعین معتقدند که بحران بطول خواهد انجامید و سر تشکیل دولت و برنامه آن گمشدگی و جار و جنجال شدیدی بر پا خواهد شد.

# آیا میتوانند یک کابینه ملی تشکیل بدهند؟

با سقوط ساعد در اطراف یک حکومت ملی جهت میشود. وانرا هر یک از جریانها و دسته بندیهای سیاسی بیکجور تغییر میکنند. دسته سیدسیاه که مرتجعین و موقوف ترین نمایندگان مجلس را در بر دارد منظورش روی کار آوردن یک حکومت و یک رئیس دولت است. حاضر بلا اراده موهل و شایانی است که مانند ساعد مراغه سد در حد صحت آنها بوده یا نه و اراده آنها مملکت را بطرف اجتماع و آذربای و هرج و مرج بکشد و برای منظور نهایی آنها که بدست گرفتن تمام امور کشور ایران است زمینه تهیه کند.

اینها امروز مجلس ملی را تقریباً باوجود خود میروانند از بیبرکتی و پستی و همه لیاقت سایندهگان دیگر جدا گز استفاده را میکنند. و بقول خود - اگر بستانند، به هم راه اند، سالون بپارسان را مضائق صلوه خود بهر شکلی که میخواهند درمی آورند و بسا کمال وقامت و پرورشی زور میگوشند، می گویند وجود نباید گان دیگر را حائل و باطل بگذارند.

این گروه سیاه خندیده این با سقوط ساعد از حکومت ملی دم میزنند، می خواهند هیئات اونیومی خود را تشکیل بدهد بنام ملت و دیون قوم و خویشان و بستگان خود را روی کار بیاورد و بنام ملت ایران زیر چنگی ذخائر و هستی کشور ایران را بمرض فروش بگذارد همه میدانند که حکومت ساعد نماند و اعلی آن تب سطرانک بود حکومت آینه را نیز این جودی می خواهند.

اینها تمام ازارهای ساعد جز آن که اطلاع داشته و معروف هست که اغلب اینها از کبیای هائی که ساعد داشت پنهانی کار هایشان را انجام می داد حق دلایلی گرفته بودند.

اینها تمام ازارهای ساعد جز آن که اطلاع داشته و معروف هست که اغلب اینها از کبیای هائی که ساعد داشت پنهانی کار هایشان را انجام می داد حق دلایلی گرفته بودند. ما ساعد را می شناسیم او تا تاویل متولیان مجلس را نمی دانست غیر ممکن بود بتواند بکارهای او را یکی ملت دادن امتیاز نفت و تشکیل کبیای های مرموز دیگر دست ببرد اصلاً کابینه دوم او برای این کار جور شده. بمانند که به نایب ملت ایران تبدیل گردیده بود. امروز این تب اگر چه در مقابل احساسات عمومی و سیاست ساده و روشن حسابه شمالی ما اندازده بود آنچه احساس کردیم که هر چه داشت پنهان نیتوارند بکنند و هر چنانچه که از دستش بر آید انجام آن بپوشاند و هر چه اهدا داشت با وجود آن هنوز زنده است، زور

### قلم ابولصور و نجور

## گره های موفقی هلی

خو دناغمی فته بند مده پند دیگران  
گر بهای مرضی هلی هر کس بستان  
بزمی شو آید اینها مانند هر کس سعاد  
نه سری هر جور از مارگار پینازی  
چیدانه رده دوزاو سر جای خود می  
شسته - دور دور و هوا جلو هشت  
ملکت و همه چیز را اوت بای خودی  
داند. رسا از سیاست بیکانگانه استاده  
میکنند. دوغ حال شام مردم و اذغان  
و بیکانه برت بینانند. نقش مینند  
روزنامه مینویسند. درونگهای مرموز  
بیکانگان توکی میکنند. متاعفات  
ایران را زیر پا میگذارند باوجود این  
ساک ملت رست و بهین دوستی بسپارند  
با سرب و روزنامه نویسی طوطی گری میکنند  
و خود را گل سر سیدجامه مینانند ظاهراً  
بر ضد هم دیگر حرف میزنند ولی عملاً  
پشتی یکدیگر هشته کور و آتش و  
جنجال و سازش اینها همه برای رسیدن  
به هدف و مقصد میباشند. پستی وزارت  
و آگاهی دوز، و کلا برادری.

این گره های درد و مگذار در  
دوره مریضان حساس ترین پستیهای اقتصادی  
و سیاسی کشور را در دست داشته پندار  
شهر و مریضان دلم و در آفرینار و کار  
و کار گرفته روش خود را ادامه دادند.  
بد بینه و ساعد هشته گردنوا  
هستند. بنده مات جان بگریزد و باو  
سلاح را از من گداشته بود و در بیهوشی  
صومی (که بینه آنها متفقین خصوا  
همسایه شمالی است) اتحاد نبرده گت  
و دیگر را بوسیده بر علیه عناصر ملی  
و آزاد بخواند و اقمی چنگ سانی اعلان  
کردند.

امروز ما مخصوصاً بنیاستت کرم  
شدن بازار بارز و سیاسی گری به عاقلوس  
شود از بانده کرده سیاه کس  
کنند. ای راه انداخته از حالت ایدئولوژی  
و بنده دادن و امروز کوی بیرون آمد  
های جز بونی او گذاشته اند مادر شاعر.  
های آینه بونی از این گره های چسور  
را امر می خواهیم نمود

# مزد سردمداری و متولیگری

از قرار معلوم ساعد مزد پشتیبانی های مصطفی کاظمی را که میکند باید دولت آزادی در هندوستان طلب کرد داده است بدین معنی که پس از استعفا ابلان به وزارت امور خارجه نموده است که حکم آقا زاده ایشان را که هنوز خدمت و وظیفه را هم انجام نداده است برای گامندی سفارت به پاریس باواشننگتن صادر و روانه اش کند.

بقلم ح. ا.

## احساس و پایه صیانت خاندانه صید ضیاء

مطلبی است که در این شماره از روزنامه آزیر  
دوباره به دست و پا افتاده است. یک  
آدم ضیف الناس دیگری پیدا کنند و  
او را با کزیت تبدیل نمایند تا بتوانند  
در برتو (زمانهای او بنات سوره خود  
و او اگر کرده زمین را برای عیال و  
نقطه های شوم پندی فراهم کنند  
این بار کویانقره قال بنام میس  
و ساج و تیس و فاطمه زاده اند  
این خیلی شازگی دارد؛ به طاهر  
گوشه نشین و یک زیر مرد مردی و یک



خبرخواه در روز میرزا کاظمی  
بنفقت روزنامه آزیر  
کدی معروف و پشنگه میرزا کاظمی  
در سینه کافر ترنگ - لاله زار  
روز شنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۳۴

ساعد دست ارادار نیست  
هنوز ساعد در کاخ وزارت خارجه زندگی میکند





آبامیتو اوند

بک کابینه ملی تشکیل دهند
بقیه از صحنه اول

احساس و پایه صمیمیت

بقیه از صحنه اول
سببی و سبب گفته او باید مثل

در باره سعید ضیاء الدین

پنجه می نویسد ؟
از شماره ۶۲۳ روزنامه

در شماره ۳۰۴ پنجاهه ۱۸

آبان روزنامه رعد امروز صبح چهارم
آش سون اول دو هوان با غلطو

دروزندان و رشت چه

دیوم
سرنظر از اینکه باستان زندان

آبامیتو اوند

بنا هستند که تمام کارها را
می کنند اینها هستند که حاضر شده اند

احساس و پایه صمیمیت

بقیه از صحنه اول
سببی و سبب گفته او باید مثل

در باره سعید ضیاء الدین

پنجه می نویسد ؟
از شماره ۶۲۳ روزنامه

در شماره ۳۰۴ پنجاهه ۱۸

آبان روزنامه رعد امروز صبح چهارم
آش سون اول دو هوان با غلطو

دروزندان و رشت چه

دیوم
سرنظر از اینکه باستان زندان

آبامیتو اوند

بنا هستند که تمام کارها را
می کنند اینها هستند که حاضر شده اند

احساس و پایه صمیمیت

بقیه از صحنه اول
سببی و سبب گفته او باید مثل

در باره سعید ضیاء الدین

پنجه می نویسد ؟
از شماره ۶۲۳ روزنامه

در شماره ۳۰۴ پنجاهه ۱۸

آبان روزنامه رعد امروز صبح چهارم
آش سون اول دو هوان با غلطو

دروزندان و رشت چه

دیوم
سرنظر از اینکه باستان زندان

آبامیتو اوند

بنا هستند که تمام کارها را
می کنند اینها هستند که حاضر شده اند

احساس و پایه صمیمیت

بقیه از صحنه اول
سببی و سبب گفته او باید مثل

در باره سعید ضیاء الدین

پنجه می نویسد ؟
از شماره ۶۲۳ روزنامه

در شماره ۳۰۴ پنجاهه ۱۸

آبان روزنامه رعد امروز صبح چهارم
آش سون اول دو هوان با غلطو

دروزندان و رشت چه

دیوم
سرنظر از اینکه باستان زندان

آبامیتو اوند

بنا هستند که تمام کارها را
می کنند اینها هستند که حاضر شده اند

احساس و پایه صمیمیت

بقیه از صحنه اول
سببی و سبب گفته او باید مثل

در باره سعید ضیاء الدین

پنجه می نویسد ؟
از شماره ۶۲۳ روزنامه

در شماره ۳۰۴ پنجاهه ۱۸

آبان روزنامه رعد امروز صبح چهارم
آش سون اول دو هوان با غلطو

دروزندان و رشت چه

دیوم
سرنظر از اینکه باستان زندان